

متفاوت تر

"ولیعجه" یعنی "آقاهاى كوچولو" كه به جاى "رجوع" به "آقاى اصلى عصرمون" به

اونها رجوع كنیم و اندیشه ی اونهارو در خودمون نفوذ بدیم

"ولیعجه" به معنی محبوب و معشوق و استاد و معلم و آیت الله و عارف و حكیم و

فیلسوف و فیزیک دان و شیمی دان و پزشك و خلاصه هر چیز دیگه ای نیست،

بلكه به معنای كسی هست كه خودش رو "ولئ" میدونه

به زبان ساده تر "جایگاه امور رو تعیین میکنه" نه اینکه ذیل ولی عصرش باشه و

جایگاه امور رو از منظر او ببینه... كسی كه اینطور میشه "ولیعجه" و مریدانش هم

میشن "ولیعجه داران"

"ولیعجه" اون شخصیت دارای طرفدار و مریدی هست كه دچار "خودشیفته گى"

شده و خودش رو مدار امور تصور میکنه برای همین تاب سخن مخالف رو نداره

و با سخن مخالف "میریزه بهم"، ولیعجه داران" هم همینطورن، تاب سخنى بر

خلاف ولیعجه شون رو ندارن و "میریزن بهم" از همه مهم تر اینکه "ولیعجه و ولیعجه

داران" چون بر مدار "حق و حقیقت" نیستن بهم ریختگی پیدا میکنن! وگرنه "ولئ"

و "ولایتمداران" چون اهل حق هستن، راحت میتونن با "برهان و دلیل" به صورت

كاملاً "معقول و منطقی" با مخالفینشون مواجه بشن بدون ذره ای بهم ریختگی...

خلاصه "ولیعجه" همون كسی است كه به جاى ولئ در ذهن و دل ما جاى خوش

كرده، حتى اگر خودش مدام دم از "ولئ" بزنه، كه اتفاقاً خیلی هم دم میزنن تا بیشتر

دورشون رو شلوغ كنن، در زیارت جامعه میگیریم ما از هر ولیعجه ای اعلام نفرت و

بیزاری میکنیم؛

«وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ وَلِيْعَجَةٍ دُونَكُمْ»